



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة
 تاریخ: ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵
 موضوع جزئی: مسئله دهم - مبدأ سنة - اقوال شش گانه - قول ششم
 مصادف با: ۱۷ رجب ۱۴۳۷
 سال ششم
 جلسه: ۹۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

قول ششم

درباره مبدأ سنة مؤونه، قولی مطرح است که بعضی از بزرگان به آن ملتزم شده‌اند. طبق این قول مسئله مبتنی شده بر آنچه که مرحوم سید در مسئله پنجاه و ششم و امام (ره) در مسئله دوازدهم متعرض شده‌اند؛ در گذشته هم اشاره کردیم که یک مسئله‌ای محل بحث است و آن اینکه آیا در استثناء مؤونه ما مجموع ارباح و فوائد را در مقابل مجموع مؤونه‌ها محاسبه می‌کنیم و سپس مؤونه‌های یک سال را از مجموع این ارباح کم می‌کنیم یا اینکه هر ربیحی را مستقلاً و جداگانه در نظر می‌گیریم و مؤونه مربوط به آن را از همان ربح کم می‌کنیم؟

در این مسئله اختلاف نظر است، عده‌ای به طریقه مجموعی و عده‌ای به طریقه انحلالی ملتزم شده‌اند، این مطلب را ان شاء الله در مسئله دوازدهم به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد که حق در مسئله کدام است و بالاخره ما باید مجموع مؤونه‌ها را در مقابل مجموع ارباح مقایسه و محاسبه کنیم یا هر ربیحی را مستقلاً در نظر بگیریم؟ در قول ششم، تعیین مبدأ سنة منوط به این دو مبنا شده یعنی مبنای مجموعی یا مبنای انحلالی؛ قائل می‌گوید: اگر ما طریقه مجموعی را بپذیریم، در این صورت آنچه که مشهور و از جمله مرحوم سید در این مسئله گفته‌اند صحیح است یعنی باید تفصیل دهیم بین تکسبات و غیر تکسبات، در تکسبات، مبدأ سنة را زمان شروع کسب قرار دهیم و در غیر تکسبات مثل ارث و هبه و هر فائده‌ای که به غیر طریق کسب حاصل شود، مبدأ سنة را زمان ظهور و حصول ربح قرار دهیم. پس طبق قول ششم، نظر مشهور «و منهم السید» تنها در صورتی قابل قبول است که ما ملتزم به طریقه مجموعی شویم، اما بنابر طریقه انحلالی و اینکه هر ربیحی مستقلاً لحاظ شود، زمان ظهور ربح مبدأ سنة می‌باشد یعنی طبق این مبنا، مبدأ سنة عبارت است از زمانی که ربح و فائده ظاهر می‌شود و بنابر قولی از زمانی که ربح و فائده حاصل می‌شود. پس طبق این قول باید ابتدا مبنا را در آن مسئله معلوم کنیم تا بتوانیم در تعیین مبدأ سنة راه صحیحی را پیش بگیریم.^۱

دلیل قول ششم

حال دلیل بر این ادعا چیست؟ در اینجا ایشان بیان مبسوط و مفصلی را ذکر کرده که ما محصل دلیل ایشان را بیان می‌کنیم:

۱. بنابر طریقه انحلالی

اما بنابر اینکه ما طریقه انحلالی را بپذیریم یعنی بر خلاف مشهور ملتزم شویم که هر ربیحی را باید مستقلاً لحاظ کنیم، در اینجا به چه دلیل باید مبدأ را زمان حصول فائده قرار دهیم؛ ایشان دو تقریب برای این دلیل ذکر کرده‌اند:

۱. کتاب الخمس (شاهرودی)، ج ۲، ص ۲۴۰.

تقریب اول

در تقریب اول می‌گویید که اگر ما طریق انحلالی را بپذیریم، در واقع باید ببینیم چه زمانی را می‌توانیم به عنوان مبدأ قرار دهیم؛ فرض کنیم چندین ربح و سود برای این شخص حاصل می‌شود، مثلاً چند کار یا یک کاری دارد که در چند مقطع ربح و سود نصیب او می‌شود، اگر قرار باشد برای هر ربحی مستقلاً مؤونه را بسنجیم، زمان دیگری را نمی‌توانیم به عنوان مبدأ قرار دهیم. بلکه تنها زمانی که می‌توانیم مبدأ قرار دهیم، زمان حصول ربح است. فرض کنیم سه ربح در تابستان و پاییز و زمستان برای این شخص حاصل می‌شود و فرض هم این است که برای هر ربحی مستقلاً باید سنه در نظر گرفته شود و مؤونه‌ها را در رابطه با آن ربح جداگانه لحاظ کنیم، بر این اساس چه زمانی را می‌توانیم در اینجا به عنوان مبدأ قرار دهیم؟

اگر بخواهیم زمان شروع در کسب را مبدأ سنه او قرار دهیم، دیگر نمی‌توانیم ارباح را مستقلاً لحاظ کنیم؛ لحاظ استقلالی ارباح و در نظر گرفتن هر ربحی مستقل از دیگری با این فرض که بخواهیم زمان شروع در کسب را مبدأ سنه قرار دهیم، اصلاً قابل جمع نبوده و معقول نیست. پس چاره‌ای نداریم جز اینکه مبدأ سنه را بنابر طریقه انحلالی زمان حصول ربح قرار دهیم. اگر می‌خواهیم ارباح را جداگانه حساب کنیم، مبدأ سنه در رابطه با هر ربحی قهراً آن زمانی است که ربح حاصل می‌شود. پس در واقع طبق تقریب اول زمان دیگری غیر از زمان حصول ربح تعیین پیدا نمی‌کند.

تقریب دوم

تقریب دوم این است که ببینیم اساساً ادله استثناء مؤونه که بر خروج مؤونه عن الریح دلالت می‌کند، این چگونه و در چه زمانی قابل انطباق بر مؤونه‌ها می‌باشد؟ ادله استثناء مؤونه بر استثناء مؤونه سنه از فائده و ربح و سود دلالت می‌کند؛ مؤونه‌هایی که بعد از هر ربحی حاصل می‌شوند، در واقع بر آن صدق می‌کند که این «خرج من الریح» چون بحث استثناء مؤونه از ربح است و صدق عنوان خروج مؤونه از ربح در صورتی است که از زمان حصول ربح یک سال بگذرد. پس مبدأ زمان حصول ربح می‌شود. چون فرض ما این است که مؤونه‌ها از ربح در طول یک سال کسر شود، اگر قرار است که ما ارباح را مستقلاً ملاحظه کنیم و مؤونه‌ها را در رابطه با هر ربحی کسر کنیم، در طول یک سال چاره‌ای نداریم جز اینکه مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم، پس صدق عنوان «ما یخرج من کل ریح» بعد از حصول ربح تا مدت یک سال قابل قبول است و إلا قبل از حصول ربح نمی‌توانیم بگوییم عنوان «خروج المؤونه عن الریح» صادق است. بله، پیشاپیش ممکن است کسی مؤونه‌هایی داشته باشد و این را به اعتبار اینکه بعداً سود می‌کند این مؤونه‌ها را انجام دهد و خودش را بدهکار کند، ولی این خلاف قاعده و طبع می‌باشد، معمولاً این چنین نیست.

خلاصه: پس طبق این نظر، در صورتی که ما طریقه انحلالی را بپذیریم و هر ربحی را مستقلاً بخواهیم لحاظ کنیم، به دو بیان می‌توانیم مبدأ سنه مؤونه را زمان حصول ربح قرار دهیم:

بیان اول این بود که با ملاحظه دلیل استثناء مؤونه و مبنای انحلال، زمان دیگری غیر از زمان حصول ربح را نمی‌توانیم مبدأ قرار دهیم، این زمان در چهارچوب فرض بحث ما متعین است و بیان دوم هم این بود که صدق عنوان «ما یخرج من کل ریح» در مورد مؤونه‌ها و سنه مؤونه تنها در صورتی صادق است که ما مبدأ را زمان حصول ربح قرار دهیم.

لذا در مجموع بر اساس قول ششم اگر ما طریقه انحلالی را بپذیریم و بگوییم هر ربی باید مستقلاً لحاظ شود به دو بیان می‌توانیم ثابت کنیم مبدأ سنه در همه فوائد و ارباح «من دون فرق بین التجارة و غیرها، بین التکسب و غیره» عبارت است از زمان حصول ربح.

به این نکته دقت کنید که بطور کلی طبق این فرض اگر بخواهد زمان شروع در کسب به عنوان مبدأ سنه قرار داده شود، این اصلاً با مبنای انحلال سازگار نیست این دلیلی است که ایشان ذکر کرده‌اند.^۱

۲. بنابر طریقه مجموعی

اما طبق نظر مشهور یعنی مبنای عدم انحلال یا به عبارتی دیگر طریقه مجموعی و اینکه مجموعه ارباح با هم لحاظ شوند نه اینکه جداگانه و یک به یک ملاحظه شوند، در این صورت ایشان فرمود: ما می‌توانیم تفصیل مشهور را بپذیریم، تفصیل بین تکسبات که در آنها زمان شروع کسب ملاک است و غیر تکسبات که زمان ظهور ربح و فائده مبدأ قرار داده می‌شود یعنی اگر کسی در اینجا طریقه مجموعی را پذیرفت آنوقت می‌تواند ملتزم به همان نظر مشهور می‌شود. حال آیا آن دو تقریبی که برای فرض اول گفتیم این جا جریان دارد یا خیر؟

بطور کلی می‌خواهیم ببینیم بنابر طریقه مجموعی که مجموع ارباح را یکجا حساب کنیم، در اینجا مبدأ چه چیزی می‌باشد؟ ایشان بین تکسب و غیر تکسب تفصیل داده‌اند.

در غیر تکسبات می‌گوید: تقریب اول و تقریب دوم هر دو جریان دارد، در فوائدی مثل هبه زمان حصول ربح را باید مبدأ قرار دهیم یعنی همان زمانی که ربح و هبه به دست او می‌رسد و نمی‌توانیم زمان شروع کسب را قرار دهیم. زمان شروع کسب متفرع بر کسب است، وقتی کسبی نیست شروع در آن معنا ندارد.

تقریب دوم یعنی «صدق عنوان ما خرج من المؤونه» هم در غیر تکسبات جریان دارد، این مؤونه که بعد از حصول ربح واقع می‌شود «یصدق علیها أنها مخرجة فعلاً من مجموع تلک الارباح» اولین ربی که حاصل می‌شود، مؤونه‌هایی که بعد از آن پدید می‌آید، اگر این مؤونه‌ها را از اولین ربح تا یک سال کم کنیم، «یصدق علیه» که این خرج «عن هذا الریح» و ادله استثناء مؤونه شامل آن می‌شود. پس در مواردی که فائده «من غیر تکسب» حاصل شود به دو بیان و دو دلیل می‌توان مبدأ را زمان حصول ربح دانست.

بحث جلسه آینده: حال باید ببینیم که در تکسبات به چه دلیل مبدأ عبارت است از زمان شروع در کسب و بعد باید قول ششم را بررسی کنیم و ببینیم که این درست است یا خیر که در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت ان شاء الله.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. کتاب الخمس، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۶.